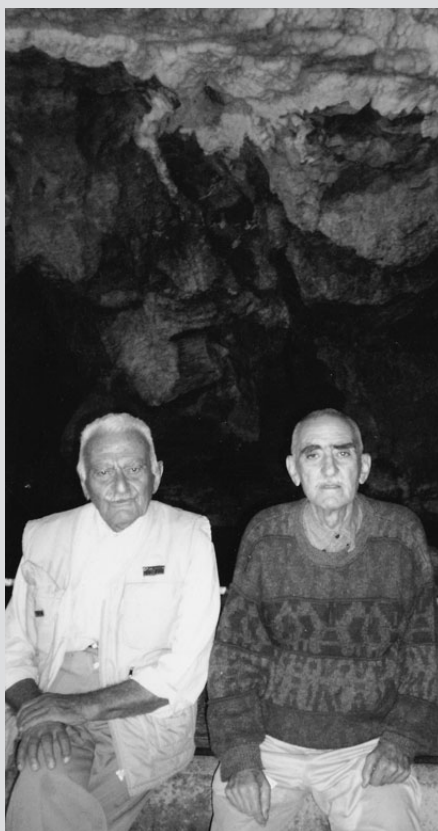


## راه ستوده و افشار



مصطفی نوری \*

در نخستین ماه بهار ۱۳۹۵ ایران شناس و پژوهشگر ایرانی دکتر منوچهر ستوده در سن ۱۰۳ سالگی چشم از تماشای جهان فرو بست. او را می توان همچون ایرج افشار یک ایران شناس کم نظیر دانست. با نگاهی به مطالعات ایران شناسی از اواسط دوران قاجار به خوبی نمایان می شود که در آغاز کار، این ماموران دولت های انگلیس و روسیه بودند که برای شناسایی ایالات و ولایات ایران تصویری از اوضاع اجتماعی این نواحی را ثبت و ضبط کردند. نیت آنان هر آنچه بود امروز پژوهشگران حوزه ایران شناسی دست به دامان امثال رابینو، ملکونف و بیت هستند اما نسل تحصیل کرده ایرانی بر آمده از عصر رضاشاه به خوبی فقدان تحقیقاتی از این دست را - که به قول استاد فقید ایرج افشار در آن قلم هم عنان با قدم باشد- درک کردند. اینان مطالعات کتابخانه ای را با بررسی های



میدانی پیوند دادند و حاصل کار، آثار بدیعی بود که خلق کردند. در میان این ایران شناسان دکتر منوچهر ستوده یکی از برجسته ترین افراد است.

\* کارشناس ارشد

تاریخ

## تحقیقات میدانی ستوده

ستوده نخستین مقاله خود با عنوان « مطالعات تاریخی و جغرافیایی قلعه الموت » که حاصل مشاهدات عینی‌اش بود را در سال ۱۳۱۵ خورشیدی منتشر کرد. پایان نامه دکتری او نیز در همین حوزه‌ها رقم خورد. از آن جا که استاد راهنمای ایشان آقای فروزان‌فر مطلع بود که ستوده تحقیقاتی درباره قلعه‌های الموت، لمبَسَر و دیگر آثار تاریخی اسماعیلی انجام داده موضوع پایان نامه او را « قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز » تعیین کرد که بعداً دانشگاه تهران آن را به صورت کتاب منتشر کرد.

هیچ شکی نیست که بخش قابل ملاحظه‌ای از شناخت امروزی پژوهشگران از جغرافیای تاریخی ایران‌زمین به ویژه نواحی شمالی ایران مرهون سال‌ها تلاش مستمر این مرد نستوه است. دکتر ستوده از همان دوران جوانی به هر جا سفر می‌کرد به سراغ قلعه‌های تاریخی، امامزاده‌ها، سنگ‌نوشته‌ها و به طور کلی هر چیزی که گویای فرهنگ و تمدن ایران بود، می‌رفت و در راستای همین علایق شخصی او بود که سال‌ها بعد کتاب‌هایی چون « از آستارا تا استارباد » تألیف شد. از سوی دیگر علاقه به سرزمین پدری عامل مهمی برای گرایش او به پژوهش در تاریخ و فرهنگ مازندران و نواحی اطراف شد. تلاش و پشتکار مستمر او در حوزه تاریخ و فرهنگ محلی از آغاز دوره جوانی همزمان با تحصیل در دانشسرای عالی و تدریس در مدارس گیلان و تهران و به خصوص دوران استادی در دانشگاه تهران باعث شد که برای پژوهشگران تاریخ محلی استادی کم‌نظیر باشد.

توفیق دکتر منوچهر ستوده در راه تحقیقات میدانی تا حدی مرهون یاران شفیقی چون ایرج افشار بود که دیدار اتفاقی این دو در کوه‌های شمال تهران دوستی دیرپایی را رقم زد که تا پایان عمر دوام آورد. ستوده چند سال پیش در مصاحبه‌ای با نگارنده نحوه آشنایی خود به ایرج افشار را چنین توضیح داد: « تفریح روزهای جمعه من این بود که می‌رفتم پس قلعه، فردا صبح از اونجا می‌رفتم قله توچال از قله توچال یک‌سره پیاده می‌آمدم به تهران، در یکی از اون روزهای جمعه من از آن طرف توچال سرازیر شدم که به طرف صاحبقرانیه برم، دیدم دم‌چشمه کلک‌چال یک جوانی نشسته تک و تنها با یک کوله‌پشتی دارد چای درست می‌کند. پس از احوال‌پرسی گفتم من دارم از توچال می‌آیم و خسته هستم، یک استکان چای به من می‌دهی؟ گفت: بله حتماً، و نشستیم با هم چای خوردیم، دیگه نشستیم تا حالا؛ یعنی از سال ۱۳۲۷ تا به امروز! ایرج افشار و منوچهر ستوده دو بار در سال به سفر در پهنه ایران زمین می‌رفتند که افشار مشاهداتش از این سفرها را در کتاب « گلگشت وطن » منتشر کرد.

## از آستارا تا استارباد

مهمترین اثر دکتر منوچهر ستوده کتاب « از آستارا تا استارباد » است. تألیف این کتاب با حمایت بی‌شائبه انجمن آثار ملی که در زمان رضاشاه تاسیس شده بود صورت گرفت. این

انجمن بودجه دولتی نداشت اما از هر کیسه سیمان یک قران به انجمن می‌دادند. چیزی نگذشت که این انجمن رونق یافت و شروع به چاپ کتاب کرد. یکی از کسانی که در انجمن آثار ملی مسئولیت داشت غلام‌حسین‌خان صدیقی بود که به ضرورت ثبت آثار تاریخی ایران پی برد. به همین خاطر پیشنهادی به شورای انجمن آثار ملی داد و شورای پذیرفت تحقیقاتی درباره آثار تاریخی مملکت انجام دهد. پس از آن به دنبال کسانی گشتند که در حوزه تحقیقات محلی فعالیت می‌کردند در این بین دکتر ستوده نیز به وسیله آقای غلام‌حسین‌خان صدیقی معرفی شد که می‌تواند تحقیقات مربوط به صفحات شمال ایران را انجام بدهد. در نتیجه کار آغاز شد. بررسی میدانی از آستارا تا خلیج حسینقلی در استرآباد بیست و یک سال طول کشید و تمام کوه و دشت این منطقه مورد بررسی قرار گرفت و پنج جلد کتاب از آستارا تا استرآباد تالیف شد. ستوده در ضمن این کار به اسناد و مدارک تاریخی که در خانواده‌های گرگانی چون درازگیسو و سادات مفیدی نگهداری می‌شد برخورد کرد. در آن وقت آقای ایرج افشار رئیس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بود، با کمک ایشان از اسناد عکس‌برداری شد و پنج جلد کتاب اسناد چاپ شد بدین ترتیب ده جلد کتاب «از آستارا تا استرآباد» منتشر شد.

پنج جلد اول این مجموعه در ارتباط با آثار تاریخی است که شهرت اصلی این کتاب نیز به دلیل همین پنج جلد است که از غربی‌ترین قسمت گیلان شروع شده و به شرقی‌ترین قسمت استان مازندران آن دوره به پایان رسیده است. در این پنج جلد آثار تاریخی مناطق مختلف بررسی شده و سفرنامه‌هایی که درباره این مناطق بوده مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور خلاصه می‌توان محتوای پنج جلد این اثر گراندقدر را اینگونه بیان کرد؛ در جلد نخست، ابتدا به معرفی منابع معتبر درباره گیلان و مازندران و گرگان پرداخته و سپس به سایر منابعی که مورد استفاده قرار داده، اشاره کرده است و توضیحاتی درباره جغرافیای تاریخی و انسانی گیلان آورده و در ادامه به جغرافیای تاریخی و آثار تاریخی گیلان «بیه پس»، یعنی مناطق آستارا، گرگان رود، اسالم، تالش دولاب، شاندرمن، ماسال، ماسوله، فومن، گسکر، شفت، تولم، چهار فریضه، موازی، لشت‌نشاء، رودبار و رحمت آباد، و نهایتاً عمارلو پرداخته است. هر کدام از این شهرها و روستاها و آثارشان به همراه عکس‌هایی است که ستوده شخصاً گرفته است.

جلد دوم به گیلان «بیه پیش» می‌پردازد. در این جلد دیلمان و سیاهکل، محلات و مناطق مختلف لاهیجان، رانکوه، لنگرود، رودسر، تمیجان، سمام و شاهجان، جبرولایت، اشکور و سیارستاق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جلد سوم به آثار تاریخی مازندران غربی پرداخته است. در جلد سوم، ابتدا فهرستی مفصل از بناها، گچکاران، خطاطان و کتیبه‌نویسان، نجاران و کنده کاران، کاشی کاران، سنگ تراشان و روی گران، و همچنین درختان کهنسال و معروف این خطه درج شده است. همچنین

کتابشناسی مازندران، تیره‌ها و طوایف مازندران، تاریخ طبرستان و سکه‌های این دیار نیز مورد بررسی قرار گرفته است. پس از آن آثار تاریخی بخش‌های تنکابن، کلارستاق، کجور، نور، لار قصران و بالا لاریجان معرفی شده است.

جلد چهارم به مازندران شرقی اختصاص یافته است. همانند جلد سوم، در اینجا نیز با فهرستی از استادانی که در ساخت بناهای تاریخی این منطقه نقش داشتند، و نیز درختان کهنسال و منابع مورد استفاده در این جلد روبرو می‌شویم. آنگاه به ترتیب بناها و آثار تاریخی بخش‌های آمل، بابل، شاه‌ی (قائم شهر کنونی) و ساری معرفی شده است.

جلد پنجم با همکاری زنده یاد مسیح ذبیحی گردآوری شده است. در این جلد که به گرگان و اطرافش اختصاص دارد، دشت گرگان و جغرافیای تاریخی استرآباد معرفی و در ادامه به



ترتیب بناهای تاریخی این شهرها و مناطق آورده می‌شود.

این پنجم جلد به معرفی بناها و آثار تاریخی سرزمین‌های جنوبی دریای کاسپین می‌پردازد. از جلد ششم تا جلد دهم، مجموعه اسناد و مدارکی است که زنده‌یاد ستوده طی کنکاش‌هایی که در منطقه داشته و با آشنا شدن با مسیح ذبیحی که آثار متعددی درباره گرگان تألیف کرده بود، به اسناد بسیاری برمی‌خورد و به پیشنهاد و همکاری مرحوم ایرج افشار که در این مقطع رئیس کتابخانه دانشگاه تهران بود، این اسناد را مورد بررسی قرار داد و منتشر کرد. درحقیقت جلدهای ششم، هفتم و دهم اسناد مربوط به گرگان، و جلدهای هشتم و نهم نیز شامل اسنادی است مربوط به اشرف البلاد یا بهشهر، که در اختیار نویسنده قرار گرفت.

کتاب «تاریخ خاندان مرعشی مازندران» عنوان اثر مهم دیگر استاد است که در اواخر دوران تدریس خود در دانشگاه تهران آن را تصحیح و بنیاد فرهنگ ایران این کتاب را منتشر کرد. این بنیاد زیر نظر شادروان پرویز ناتل خانلری بود و آثار بسیاری درباره شمال ایران منتشر کرد.

### لزوم تداوم راه ستوده و افشار

شناخت تاریخ و فرهنگ هر سرزمین، نه تنها عامل اساسی برای هویت بخشی آن جامعه محسوب می‌شود بلکه می‌تواند موجبات شکوفایی و سربلندی مردم آن را نیز فراهم آورد. از آن روی که یادمان‌های مذهبی و تاریخی بخشی از هویت ایرانی - اسلامی مردمان شمال ایران را تشکیل می‌دهد، تمامی آثار مذهبی و تاریخی اعم از مساجد، امامزاده‌ها، تکایا، سقائالارها، کاروانسراها، پل‌ها، قلعه‌ها، قبرستان‌های تاریخی، خانه‌های تاریخی، کتیبه‌ها، برج‌های تاریخی و... در سه استان مازندران، گرگان و گیلان باید مورد بررسی مجدد قرار گیرند و علاوه بر شرح اطلاعاتی که از این آثار در کتب تاریخی آمده است، آثار یادشده از لحاظ معماری، نحوه ساخت، شرح مراحل بازسازی آن‌ها در طول تاریخ و به طور کلی هر اطلاعاتی که مربوط به آن‌ها باشد، مورد بررسی قرار گیرد.

در سال ۱۳۴۳ شمسی انجمن آثار ملی بودجه قابل ملاحظه‌ای را در اختیار دکتر منوچهر ستوده قرار داد که به بررسی آثار تاریخی حاشیه دریای مازندران بپردازد و دکتر ستوده با تلاش قابل ستایش این مهم را به انجام رسانده است اما علاوه بر تغییراتی که در بناهای تاریخی در نیم قرن گذشته رخ داد بعضی از آثار تاریخی به دلایل مختلف در کتاب «از آستارا تا استارباد» مورد بررسی قرار نگرفت. از آن جمله می‌توان به پل ورسک، خانه نیما یوشیج اشاره کرد که به دلایل امنیتی امکان بررسی آن وجود نداشت و همچنین به عنوان مثال آرامگاه مختومقلی فراغی در دشت گرگان آرامگاه اخوت و کلیسای اوریم در سوادکوه و خانه نیما یوشیج در یوش معرفی نشده‌اند.

از بررسی استاد منوچهر ستوده که نخستین پژوهش در آثار تاریخی حاشیه دریای مازندران به شمار می‌رود نزدیک به نیم قرن می‌گذرد و در این سال‌ها تغییرات فراوان در آثار تاریخی این صفحات به وجود آمده است که برای نمونه به مجموعه تاریخی فرح‌آباد پرداخته می‌شود:

دکتر منوچهر ستوده در جلد چهارم کتاب «از آستارا تا استارباد» صفحات ۵۸۷-۵۹۵ به شرح مجموعه عمارت فرح‌آباد که از بناهای شاه عباس صفوی می‌باشد، پرداخته است و پس از ثبت مشخصات فنی مسجد فرح‌آباد، پل شاه عباسی و کاخ جهان نما به گزارش‌هایی که به وسیله سیاحان خارجی و داخلی راجع به این ابنیه ارائه شد پرداخت و مشاهدات هولمز، جیمز فریزر و ناصرالدین شاه را راجع به این مجموعه آورده است و می‌نویسد: «... فعلاً دفتر فنی حفاظت آثار باستانی مشغول ترمیم و مرمت است.»

از اواسط دهه پنجاه که دکتر ستوده عمارت فرح‌آباد را مورد بررسی قرار داده است تا به

امروز مرمت و بازسازی این بنا مراحل مختلف را پشت سر نهاده است بر اساس مصاحبه نگارنده با یکی از کارکنان فعلی عمارت فرح‌آباد که در چند دهه گذشته شاهد بازسازی و تغییرات این بنا بود، بازسازی از سال ۱۳۵۲ آغاز شد و نخست وزارت فرهنگ و هنر و سپس دفتر فنی حفاظت آثار باستانی به سرپرستی مهندس فریدون اتحاد متولی این تغییرات شد. پس از آن آقای مجاوری مسئولیت بازسازی این بنا را به عهده گرفت. در سالهای اخیر سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تلاش گسترده‌ای برای بازسازی این بنای تاریخی انجام داد که هم اکنون به نحوه شایسته یکی از نقاط گردشگری مازندران به شمار می‌رود.

ختم کلام اینکه توفیق و موفقیت استادانی چون منوچهر ستوده و ایرج افشار تنها حاصل تلاش، پشتکار و علاقه آنان به ایران زمین نبود، آنان برآمده عصری با ثبات نسبی بودند که تحقیقاتی از این دست را طلب می‌کرد و نه تنها به آن ارج می‌نهاد بلکه موجبات انجام آن را نیز فراهم می‌آورد. اکنون اما حمایت از تحقیقاتی از جنس آثار دکتر منوچهر ستوده بیشتر شبیه به آرزویی است که پژوهشگران جوان علاقه مند به این حوزه، ناگزیرند آن را به خاک ببرند!